

نقش انعطاف پذیری شناختی و سبک های دلبستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان

۱. مجید برادران*، ۲. فرزانه رنجبر نوشری

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور

(تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰)

The role of cognitive flexibility and attachment style as predictors of student social cognition

1. Majid Baradaran*, 2. Farzaneh Ranjbar Noushari

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, 2. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University

(Received: Jul. 29, 2020 - Accepted: Jun. 20, 2021)

Abstract

Objective: The purpose of this study was to investigate the role of cognitive flexibility and attachment style as predictors of student social cognition. **Method:** statistical population was comprised of all students in Payame Noor University of Rasht city who have been studying between 2019-2020. Using cluster sampling method, a group of 309 students were selected. Data were analyzed by correlation coefficient and regression analysis. The participants completed the items of Cognitive Flexibility Inventory (Dennis & Vander Wal, 2010), attachment styles questionnaire (Hazan & Shaver, 1987) and student social cognition questionnaire (Nejati, Kamari & Jafari, 2018). **Results:** Results showed that there were a significant positive correlation between cognitive flexibility and secure attachment with social cognition and significant negative correlation between avoidant and ambivalent attachment with social cognition. Also, regression analysis showed that cognitive flexibility 0.49 and avoidant attachment style 0.02 significantly predict student social cognition ($p < 0.05$). **Conclusion:** The findings of this research indicated that cognitive flexibility and attachment style have basic role in student social cognition.

Keywords: Cognitive Flexibility, Attachment Style, Social Cognition.

چکیده

مقدمه: هدف اساسی پژوهش حاضر نقش انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان بود. **روش:** جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز رشت که در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ مشغول تحصیل بودند، می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای ۳۰۹ دانشجو انتخاب شدند. داده ها به وسیله شاخص های ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شدند. شرکت کنندگان پرسشنامه های انعطاف پذیری شناختی (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰)، سبک دلبستگی (هازن و شاور، ۱۹۸۷) و شناخت اجتماعی دانشجویان (نجاتی، کماری و جعفری، ۱۳۹۷) را تکمیل نمودند. **یافته ها:** نتایج نشان داد بین شناخت اجتماعی دانشجویان با انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار و با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا همبستگی منفی معنادار وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که انعطاف پذیری شناختی ۰/۴۹ و سبک دلبستگی اجتماعی ۰/۰۲ واریانس شناخت اجتماعی دانشجویان را به طور معناداری پیش بینی نمودند ($p < 0.05$). **نتیجه گیری:** یافته های این پژوهش نشان داد که انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان نقش تعیین کننده ای دارند.

واژگان کلیدی: انعطاف پذیری شناختی، سبک دلبستگی، شناخت اجتماعی.

*Corresponding Author: Majid Baradaran

Email: psycho_2000mb@yahoo.com

*نویسنده مسئول: مجید برادران

برد^۶، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی ما در فهم حالات دیگران، با انواع پیامدهای مثبت اجتماعی از جمله افزایش محبوبیت (اسلاگتر، ایموتا، پترسون و هنری^۷، ۲۰۱۵)، بهبود روابط بین فردی (تاد، بودنهاسن، ریچسون و گالینسکی^۸، ۲۰۱۱) و رفتار جامعه‌پسند (ایموتا، هنری، اسلاگتر، سلکوک و رافمن^۹، ۲۰۱۶) همراه است. نتایج پژوهش درکز، جولز، ون ریجن و کرابندام^{۱۰} (۲۰۱۶) نشان داد که رشد شناخت اجتماعی برای عملکرد تحصیلی نیز دارای اهمیت است. هلر و وایک^{۱۱} (۲۰۰۰)؛ به نقل از نجاتی، کمری و جعفری، ۱۳۹۷) عقیده دارند که پیش‌بینی دقیق عملکرد تحصیلی تنها بر پایه ظرفیت‌هایی که به وسیله آزمون‌های هوش سنجیده می‌شوند صورت نمی‌گیرد، بلکه باید اطلاعاتی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی، انگیزشی، عاطفی و شناختی که نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کنند، در دست باشد. خلأ موجود در توانایی شناخت اجتماعی موجب اختلال در بسیاری از عملکردها مانند فعالیت‌های تحصیلی می‌شود (کوتور، گرانهولم و فیش^{۱۲}؛ ۲۰۱۱)، بنابراین،

موفقیت در دنیای اجتماعی، وابسته به توانایی ما در رمزگشایی و استنباط عقاید، هیجانات و مقاصد پنهان دیگران است، روندی که معمولاً به عنوان تئوری ذهن^۱ شناخته می‌شود (دودل-فرر، رسلر و گرمین^۲، ۲۰۲۰). در حقیقت افراد برای برقراری یک ارتباط مناسب می‌بایست در حیطه شناخت اجتماعی^۳، توانمندی‌هایی داشته باشند (اسمیت، ۲۰۰۷)؛ به نقل از ابوالقاسمی و طاهری (فرد، ۱۳۹۸). شناخت اجتماعی به عنوان شاخصی از شایستگی اجتماعی، عامل تعاملات افراد با یکدیگر است (بیلک، بوردمن و دوریسومی^۴، ۲۰۱۳) و توانایی شناخت خود، هیجانات افراد دیگر، درک کردن معنای رفتار و نشانه‌های اجتماعی آنها، انطباق اجتماعی، به کارگیری قوانین و دانش مربوط به امور اجتماعی به منظور تعامل با هم‌نوع خود و مدیریت عواطف خود در روابط بین فردی را در برمی‌گیرد (پینخام^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). در شناخت اجتماعی، محرک‌های مربوط به درک عوامل و تعاملات آنها پردازش می‌شود، این فرآیندهای پردازشی می‌توانند به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه صورت پذیرند و درعین حال تحت تأثیر تعداد زیادی از سوگیری‌های انگیزش قرار گیرند (هاپ، کوک و

6. Happé, Cook & Bird

7. Slaughter, Imuta, Peterson & Henry

8. Todd, Bodenhausen, Richeson & Galinsky

9. Imuta, Henry, Slaughter, Selcuk. & Ruffman

10. Derks, Jolles, van Rijn & Krabbendam

11. Heller & Vike

12. Couture, Granholm & Fish

1. theory of mind

2. Dodell-Feder, Ressler & Germine

3. Social Cognition

4. Billeke, Boardman & Doraiswamy

5. Pinkham

استرس زا را می پذیرند (باتون، پاکنهام و براون^۵، ۲۰۱۰). بر اساس پژوهش ها، انعطاف پذیری شناختی وابسته به مدار بزرگی است که مناطق چندگانه مغز مثل قشر پیش پیشانی، هسته آکومبوس، تالاموس و مخچه را در برمی گیرد (فلورسکو، زانگ و انوموت^۶، ۲۰۰۹؛ دیکسون^۷ و همکاران، ۲۰۱۳؛ دالتون، فیلیپز و فلورسکو^۸، ۲۰۱۴). بنابراین انعطاف پذیری شناختی نتیجه تفکر انعطاف پذیر افراد است. افرادی که از انعطاف پذیری کمتری برخوردارند، به سختی می توانند یادگیری های اولیه خود را فراموش کنند، آنها بر یادگیری های قبلی خود که پیامدهای منفی برایشان دارد پافشاری می کنند و این پافشاری، به سازگاری آنها با شرایط جدید آسیب می رساند (کاربونلا و تیمپانو^۹، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش کاپوراسو، بوسوسکی و مارکوویچ^{۱۰} (۲۰۱۹) نشان داد که هر سه مؤلفه عملکرد اجرایی^{۱۱} - مهار پاسخ، حافظه کاری و انعطاف پذیری شناختی - در رشد شایستگی اجتماعی کودکان نقش داشته اند. همچنین در فراتحلیل یان، هانگ، لیو و سو^{۱۲} (۲۰۲۰) این سه مؤلفه کارکرد اجرایی، ارتباط

نقص شناخت اجتماعی ممکن است موجب ایجاد یک چرخه معیوب شود که در اثر آن، افراد به احتمال کمتری تعاملات اجتماعی سازنده را تجربه می کنند؛ چراکه این افراد اغلب در شناخت نیازهای خود مشکل داشته و نمی توانند این نیازها را با اهداف زندگی خویش منطبق سازند (نیجمیجر، میندرا، بویتلار، مولیگن، هارتمن و هاکسترا^۱، ۲۰۰۸).

از جمله عواملی که در بروز شناخت اجتماعی افراد نقش دارد، انعطاف پذیری شناختی^۲ است. توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرکهای در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف انعطاف پذیری شناختی است (دنيس و وندروال^۳، ۲۰۱۰). پژوهشگران، انعطاف پذیری شناختی را میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط تعریف کرده اند که این ارزیابی، در موقعیت های مختلف تغییر می کند (گان، لیو و ژانگ^۴، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، انعطاف پذیری شناختی توانایی افراد در تعدیل روند شناخت برای روبرو شدن با موقعیت های جدید و غیر قابل پیش بینی می باشد. افرادی که تفکر انعطاف پذیر دارند، از توجهات جایگزین استفاده کرده، به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می کنند و موقعیت های چالش انگیز یا رویدادهای

5. Burton, Pakenham & Brown

6. Floresco, Zhang & Enomoto

7. Dickson

8. Dalton, Phillips & Floresco

9. Carbonella & Timpano

10. [Caporaso, Boseovski & Marcovitch](#)

11. executive function

12. [Yan, Hong, Liu & Su](#)

1. Nijmeijer, Minderaa, Buitelaar, Mulligan, Hartman & Hoekstra

2. Cognitive Flexibility

3. Dennis & VandeWal

4. Gan, Liu & Zhang

فرین صیدی و همکاران: ارایه مدل رابطه بین سرمایه های روانشناختی و بخشایش با تحمل پریشانی در زوجین دچار خیانت ...

سازگاری افراد به استرس های عمده است. افراد دارای دلبستگی ایمن، واکنش بهتری به استرس های عمده نشان می دهند و افرادی که سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا دارند نسبت به بحران بسیار آسیب پذیر هستند. بنابر نتایج پژوهش ها، دلبستگی ایمن با ویژگی های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوحی پایین تر از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل مشغولی درباره روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فینی و نولر، ۱۹۹۰؛ به نقل از شریف، یادگاری، بهرامی و خرسندی، ۲۰۱۸). یافته های مطالعه نیکلسون (۲۰۰۰؛ به نقل از شریف، یادگاری، بهرامی و خرسندی، ۲۰۱۸) از ارتباط الگوهای رفتاری سازش نیافته و کنش وری روانی - اجتماعی با سبک دلبستگی ناایمن حکایت داشت. هنشل، ناندترینو و دوبا^۳ (۲۰۲۰) بر نقش سبک های دلبستگی و مولفه های تنظیم هیجان در شکل گیری توانایی همدلی شناختی و عاطفی بزرگسالان تأکید نمودند. نتایج مطالعات اخیر در زمینه الگوهای دلبستگی بزرگسالی و تلویحات آنها برای تنظیم، بازشناسی و پاسخدهی هیجانی، نشان داده است که سبک دلبستگی ایمن با ارزیابی ها و تلاش هایی برای تنظیم هیجان مطلوب و رویکردهایی سازنده به حفظ و بقای روابط افراد مرتبط هستند، این در حالی است که دو بعد اصلی دلبستگی ناایمن یعنی سبکهای اضطرابی و اجتنابی با راهبردهای سازمان نیافته برای رسیدگی کردن و سروکار داشتن با تجارب

تنگاتنگی با مهارت همدلی شناختی داشته اند. فارستر^۱ و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سطح پایین انعطاف پذیری شناختی با عملکرد پایین تر در تکالیف مربوط به بازشناسی چهره و تئوری ذهن همراه است.

یکی از سازه هایی که نقش مهمی در شناخت اجتماعی افراد دارد، پاسخ دهی والد به نیازهای کودک در دوران کودکی است که به تشکیل سبک های دلبستگی در کودک منجر می شود. ویژگی های بهنجار و نابهنجار روابط بین فردی به گونه ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می پذیرد؛ بندورا (۱۹۸۰؛ به نقل از میکولانسر، شاور و پرگ^۲، ۲۰۰۳) معتقد است که انسان ها الگوهای کارکرد درونی خودشان یا بازنمایی های روانی از خود و دیگران را از طریق تجارب دوران کودکی شان با مراقبان اولیه شکل می دهند. وی معتقد بود میزان دسترسی پذیری و پاسخدهی مستمر به تلاش های کودک برای رسیدن به آرامش و امنیت، کیفیت و سبک دلبستگی کودک به مادر را تعیین می کند. این تئوری، پیوستاری را بین دوران کودکی و الگوی کارکرد ذهنی در نوجوانی در حوزه ارتباطات نزدیک و صمیمی ترسیم می کند. بر این اساس، هازن و شیور، سه الگوی دلبستگی در دوره نوجوانی را شناسایی کردند؛ ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا. سبکهای دلبستگی یکی از عوامل تعیین کننده عمده شیوه واکنش و

1. Förster

2. Mikulincer, Shaver & Pereg

3. Henschel, Nandrino & Doba

اجتماعی در موفقیت ارتباط های اجتماعی، در ایران هنوز گام های نخست در این حوزه برداشته شده است، به همین دلیل پارادایم نظری فراگیری در این زمینه وجود ندارد که بتوان براساس آن پژوهش های کاربردی را استوار ساخت. بنابراین، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که آیا انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان نقش دارند؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش های همبستگی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز رشت در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ می باشد. ملاک های ورود به پژوهش شامل دانشجوی دانشگاه پیام نور مرکز رشت، رضایت شخصی فرد و سن کمتر از ۴۰ سال و معیارهای خروج شامل عدم همکاری در تکمیل پرسشنامه ها و وجود مشکلات جسمانی و روانی قابل مشاهده بود.

با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، ۳۰۹ دانشجو به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابتدا به همه شرکت کنندگان هدف مطالعه توضیح داده شد و به همه آنها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات آنها نزد پژوهشگر محرمانه باقی خواهد ماند و در صورت تمایل، پرسشنامه ها به آنها داده شد. بعد از اجرای پرسشنامه ها توسط گروه نمونه، داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شدند. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

دردناک در روابط دلبستگی قبلی ارتباط داشته اند (میکولنسر، شیور، گیلث و نیتزبرگ^۱، ۲۰۰۵).

افرادی که دلبستگی ناایمن دارند با ویژگیهایی همچون عزت نفس پایین، احساس وابستگی، حسادت، ناامیدی در روابط و تمایل به کنترل بیش از حد در روابطشان مشخص می شوند (دونیتا و ماریا^۲، ۲۰۱۵)، این افراد زمانی که نشانه هایی از طرد و رها شدن در روابط وجود داشته باشد از خود واکنش ترس و عصبانیت نشان می دهند (کید و شفیلد^۳، ۲۰۰۵). افراد با سبک اجتنابی از صمیمی بودن و نزدیکی با دیگران خودداری می کنند، به دیگران اعتماد ندارند، منفی بوده و از نظر دیگران غیر قابل پیش بینی هستند (کیلمانن، اربانیک و پارنل^۴، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش ونتا، هاتکوویچ، ملیک، وان وردن و شارپ^۵ (2017) نشان داد که نوجوانان دارای سبک دلبستگی ایمن مهارت های اجتماعی بهتری نسبت به نوجوانان با سبک دلبستگی ناایمن دارا بودند. همچنین پژوهش دونکل، لوازوزکی و چوا^۶ (۲۰۱۶) نشان داد که افراد با دلبستگی ناایمن، مشکلات بین فردی بیشتری نسبت به افراد با دلبستگی ایمن دارند. با وجود اهمیت شناخت

1. Mikulincer, Shaver, Gillath & Nitzbeg

2. Doinita & Maria

3. Kidd & Sheffield

4. Kilmann, Urbaniak & Parnell

5. Venta, Hatkevich, Mellick, Vanwoerden & Sharp

6. Dunkel, Lukaszewski & Chua

فرین صیدی و همکاران: ارایه مدل رابطه بین سرمایه های روانشناختی و بخشایش با تحمل پریشانی در زوجین دچار خیانت ...

های فوق به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ محاسبه شد که رضایت بخش مقیاس است.

پرسشنامه شناخت اجتماعی دانشجویان

(شاد). این پرسشنامه توسط نجاتی، کمری و جعفری (۱۳۹۷) برای بررسی وضعیت سنجش شناخت اجتماعی دانشجویان ساخته شده است. نمره گذاری این پرسشنامه در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از تقریباً هرگز تا تقریباً همیشه است. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه های اصلی همراه با چرخش واریماکس نشان دهنده وجود ۴ مؤلفه شناخت خود، ذهن خوانی، تشخیص تهدید آموزشی و درک محیط آموزشی بود. ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس های فوق به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ و نمره کل پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در مطالعه حاضر به ترتیب ۲۳/۸۲ و ۴/۸۵ است. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (انعطاف پذیری شناختی، سبک دلبستگی و شناخت اجتماعی) در جدول ۱ ارائه شده است.

پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی. این

پرسشنامه توسط دنیس و وندروال (۲۰۱۰) جهت سنجش انعطاف پذیری شناختی مطرح گردید که دارای ۲۰ سوال است که بر اساس مقیاس ۷ درجه ای لیکرت نمره گذاری می گردد. این پرسشنامه شامل سه بعد است: میل به درک موقعیتهای سخت به عنوان موقعیتهای قابل کنترل، توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسانها و توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین برای موقعیت های سخت. سلطانی، شاره، بحرینیان و فرمانی (۱۳۹۲) در مطالعه ای، ضرایب اعتبار بازآزمایی برای کل مقیاس را ۰/۹۰ و برای زیرمقیاس های ادراک کنترل پذیری، ادراک گزینه های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۵۵ گزارش نمودند.

مقیاس دلبستگی. مقیاس ۱۵ سؤالی

دلبستگی بزرگسال توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت می سنجد. بشارت (۲۰۱۱) این پرسشنامه را در مورد نمونه دانشجویی و جمعیت عمومی ایران هنجار نموده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ به دست آمد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب بازآزمایی به فاصله چهار هفته برای زیرمقیاس

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در شرکت کنندگان

متغیر	میانگین	انحراف معیار
ادراک کنترل پذیری	۳۴/۲۵	۱۰/۲۵

۱۱/۳۳	۴۲/۵۶	ادراک گزینه های مختلف
۲/۷۰	۷/۶۵	ادراک توجیه رفتار
۲۲/۳۱	۸۴/۴۶	انعطاف پذیری شناختی
۳/۴۴	۱۵/۸۶	سبک دلبستگی ایمن
۲/۹۹	۱۳/۷۶	سبک دلبستگی اجتنابی
۳/۲۵	۱۳/۰۴	سبک دلبستگی دوسوگرا
۳/۴۰	۱۸/۹۰	شناخت خود
۳/۴۲	۱۸/۹۴	ذهن خوانی
۲/۵۸	۱۴/۶۴	تشخیص تهدید آموزشی
۱/۸۳	۹/۳۹	درک محیط آموزشی
۹/۵۹	۶۱/۸۷	شناخت اجتماعی

پذیری شناختی و سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار و از سوی دیگر بین شناخت اجتماعی و سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا همبستگی منفی معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

در ادامه جهت بررسی ارتباط متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج مربوط به آن در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس نتایج جدول ۲، از یکسو بین شناخت اجتماعی و ادراک کنترل پذیری، ادراک گزینه های مختلف، ادراک توجیه رفتار، انعطاف

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱- ادراک کنترل پذیری	-										
۲- ادراک گزینه های مختلف	۰/۸۵**	-									
۳- ادراک توجیه رفتار	۰/۶۶**	۰/۸۶**	-								
۴- انعطاف پذیری شناختی	۰/۹۲**	۰/۹۴**	۰/۷۱**	-							
۵- دلبستگی ایمن	۰/۴۱**	۰/۶۶**	۰/۵۹**	۰/۶۳**	-						
۶- دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۵**	-۰/۳۸**	-۰/۳۲**	-۰/۳۸**	-۰/۳۸**	-					

فرین صیدی و همکاران: ارزیابی مدل رابطه بین سرمایه های روانشناختی و بخشایش با تحمل پریشانی در زوجین دچار خیانت ...

۷- دل بستگی دوسوگرا	۰/۳۰	۰/۳۸	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰
۸- شناخت خود	۰/۴۳	۰/۶۸	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳
۹- ذهن خوانی	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۵
۱۰- تشخیص تهدید آموزشی	۰/۵۳	۰/۵۶	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳
۱۱- درک محیط آموزشی	۰/۴۱	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱
۱۲- شناخت اجتماعی	۰/۵۱	۰/۵۵	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۱

کولموگروف- اسمیرنف در تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ بود، لذا می توان گفت توزیع نمرات متغیرهای مورد بررسی نرمال است. برای بررسی استقلال از آزمون دورین استفاده شد که اگر مقدار آن بین ۲/۵-۱/۵ باشد مطلوب است که در این مطالعه ۱/۸۳ حاصل گردید که نشان از برقراری مفروضه استقلال داشت.

در ادامه برای تبیین رابطه انعطاف پذیری شناختی و سبک دل بستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان، از رگرسیون گام به گام استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. برای استفاده از این روش آماری ابتدا پیش فرض های این آزمون بررسی شد، برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنف استفاده گردید. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی شناخت اجتماعی دانشجویان از طریق متغیرهای پیش بین

گام	متغیر پیش بین	R	R ²	B	β	t	sig
۱	انعطاف پذیری شناختی	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۳۰	۰/۷۰	۱۴/۸۱	۰/۰۰۱
۲	سبک دل بستگی اجتنابی	۰/۷۲	۰/۵۱	-۰/۴۲	-۰/۱۳	-۲/۵۸	۰/۰۱

نمود. ضریب بتای این متغیر (۰/۷۰) نشانگر این است که با افزایش انعطاف پذیری، شناخت اجتماعی دانشجویان به همان نسبت و به میزان بالا افزایش می یابد. در دومین گام با اضافه شدن متغیر سبک دل بستگی اجتماعی، ضریب تعیین به

همانگونه که نتایج جدول فوق نشان می دهد دو متغیر انعطاف پذیری شناختی و سبک دل بستگی اجتنابی در رگرسیون معنادار هستند که در گام نخست انعطاف پذیری شناختی ۴۹ درصد واریانس شناخت اجتماعی دانشجویان را تبیین

۰/۵۱ رسید و ۰/۰۲ درصد قدرت تبیین به متغیر پیشین اضافه نمود. نکته مهم در مورد این متغیر این است که ضریب بتای این متغیر (۰/۱۳-) منفی است، بنابراین با افزایش سبک دلبستگی اجتنابی در دانشجویان، شناخت اجتماعی آنها کاهش می یابد.

نتیجه گیری و بحث

شناخت اجتماعی فرایندی است که طی آن فرد می تواند خود، دیگران و روابط اجتماعی بین آنها را درک و تجزیه و تحلیل کرده و به کمک سازمان بندی داده های حاصل توسط نظریه ذهن به درک متقابلی از رفتار هم نوع خود برسد و یا پاسخ مناسب را به آن نشان دهد. ادراک تعامل اجتماعی مثبت، ارزیابی های بسیار خوشبینانه و ادراک تعامل اجتماعی منفی، ارزیابی های بسیار بدبینانه ای را موجب می شوند. به عبارت دیگر، اگر به جای تمرکز بر جنبه های منفی در ارتباط های اجتماعی بر جنبه های مثبت مانند شکل دادن یک رابطه دوستانه صحیح و کمک به دوستان توجه شود، احساس آرامش به فرد دست خواهد داد. شناخت اجتماعی شامل سه قسمت اصلی است: درک کردن سایر افراد به عنوان به عنوان یک عنصر اجتماعی، درک کردن هویت هایی جدا از خود فرد و دانش اجتماعی که به افراد قابلیت اجرایی کردن اعمال اجتماعی شان را می دهد (بیر و اوشنر، ۲۰۰۶).

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که از یکسو بین شناخت اجتماعی با انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار و از سوی دیگر بین شناخت اجتماعی با سبک

دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا همبستگی منفی معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش سبک دلبستگی ایمن در دانشجویان، میزان شناخت اجتماعی آنان افزایش و با افزایش سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا در دانشجویان، میزان شناخت اجتماعی آنان کاهش می یابد. که با نتایج پژوهش های کاربونلا و تیمپانو (۲۰۱۶)، دونیتا و ماریا (۲۰۱۵) و نیکلسون (۲۰۰۰) همسو است. در تبیین این نتایج می توان گفت برای سازگار کردن راهکارهای فرایند شناختی در مواجهه با شرایط جدید و غیره منتظره در محیط، انعطاف پذیری شناختی حیاتی است. انعطاف پذیری شناختی به عنوان توانایی فرد برای در نظر گرفتن همزمان بازنمایی های متناقضی از یک شیء یا یک رویداد اشاره دارد. به طور کلی، انعطاف پذیری شناختی، توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرک در حال تغییر محیطی است، یعنی توانایی هایی مانند تغییر دیدگاه یا سازگاری فرد با قوانین، تقاضاها یا شرایط محیطی جدید (دنيس و وندوال، ۲۰۱۰). افراد برای به دست آوردن این انعطاف پذیری شناختی باید پیچیدگی کامل مسائل را درک کنند و به دفعات فضای مسئله را بررسی کنند تا ببینند چگونه تغییر در متغیرها و اهداف می تواند فضا را تغییر دهد. گوندوز (۲۰۱۳) اعتقاد داشت افرادی که انعطاف ناپذیری شناختی دارند، در پاسخ به تغییرات محیطی، تغییرات در زندگی اجتماعی و تغییرات در شغل مقاومت می کنند، نیاز به ساختار دارند و تمایل دارند که تمام کارها را به یک شیوه معین انجام دهند، بنابراین هرگونه

فرین صیدی و همکاران: ارایه مدل رابطه بین سرمایه های روانشناختی و بخشایش با تحمل پریشانی در زوجین دچار خیانت ...

گالن (۲۰۱۲) نشان دادند که دلبستگی والدین با تأثیر گذاشتن در تعاملات آینده فرد و همچنین تنظیم هیجانات آنان در موقعیت های گوناگون زندگی اثربخش است و الگوی دلبستگی افراد، پیش بینی مطمئنی برای تبیین تفاوت های آن ها در ابعاد روان شناختی، وابستگی های اجتماعی، شناخت اجتماعی، روابط رومانسیک زناشویی، میزان کنترل بر استرس ها و هیجانات، واکنش به جدایی ها، کارآمدی در روابط میان فردی و طرحواره افراد نسبت به خود و دیگران است.

همچنین یافته ها نشان داد که دو متغیر انعطاف پذیری شناختی و سبک دلبستگی اجتنابی توان پیش بینی کنندگی شناخت اجتماعی دانشجویان را دارا هستند. در تبیین این یافته ها می توان گفت شناخت اجتماعی توانایی و امکاناتی را برای فرد فراهم می کند که خود را بهتر شناخته و با دنیای خویش و دیگران ارتباط برقرار کند و تصمیماتی سازنده را در این زمینه بگیرد. مثلاً آشر و پاچارس (۲۰۰۶) معتقدند وقتی افراد می خواهند باورهای خود را شکل دهند، به نظرات دیگران بیشتر توجه می کنند، بر این مبنا شناخت اجتماعی موجب انسجام در اهداف و نگرشها شده و بستری را فراهم می کند تا فرد به تحلیل محیط آموزشی پرداخته و در آن دخل و تصرف نماید. حال چنانچه تعامل وی با محیط، همراه با شناخت، اطمینان و کنترل بیشتری باشد، رفتارهای او نیز در برخورد با رویدادهای تحصیلی به مراتب منطقی تر و پخته تر خواهد بود.

باید دانست افرادی که توانایی تفکر انعطاف

تغییر ممکن است آنها را مضطرب می سازد.

در حوزه دلبستگی، بالبی معتقد بود که سبک های دلبستگی در کودکی شکل می گیرند و دارای اثرات ماندگاری در طول زندگی فرد و در سطوح مختلف زندگی فرد می باشند. طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن، اساس ایمنی را برای افراد مهیا می سازد که به واسطه آن می توانند دنیایشان را کشف کرده و پاسخ های سازگارانه تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند؛ وجود چنین اساس ایمنی، افراد را به اکتشاف و گشودگی شناختی نسبت به اطلاعات جدید تشویق می کند؛ این اساس ایمن، اعتماد به نفس لازم را برای ریسک کردن، آموختن و به روز کردن مستمر مدل های خود، دیگران و دنیا فراهم می سازد. اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به حساب می آیند (میکولینسر، ۱۹۹۷).

همسو با این یافته پژوهش تاماکی و تاکاهاشی (۲۰۱۳) نشان داد افراد دارای دلبستگی ایمن، از مهارتهای حل مسئله بهتر و شایستگی های شناختی و اجتماعی بیشتری برخوردارند. این افراد نسبت به خود و دیگران نگرش مثبتی دارند، در ارتباطاتشان متعهد هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می کنند. در سبک دلبستگی نایمن، فرزندان دارای مادر بسیار پردکننده هستند و احساس اعتماد و دلبسته شدن را نمی آموزند، والدین درباره مسائل اجتماعی پیرامون و همدلی با دیگران اطلاعاتی به فرزندان نمی دهند؛ بنابراین این افراد در بزرگسالی شناخت و اطلاعات اجتماعی بسیار ضعیفی دارند. گرشام و

فرد ایجاد می کند. دلبستگی ایمن یک منبع درونی است که سلامت روان شناختی را در طول دوره های استرس زا حفظ می کند، درحالی که نبود این منبع ایمن، مشکلات عاطفی و رفتاری را به دنبال دارد (ساچس و تسالتا، ۲۰۰۸). از این رو می توان نتیجه گرفت سبک های دلبستگی به طور مستقیم ابعاد گوناگون آسیب روانی را پیش بینی می کنند.

در مجموع یافته های پژوهش حاضر، شواهد تجربی مناسبی در تأیید نقش تربیتی خانواده و سبک های دلبستگی بر شکل گیری شناخت اجتماعی دانشجویان فراهم آورد. با وجود آنکه نتایج پژوهش حاضر، اطلاعات ارزشمندی را درباره ویژگیهای کارکردی تجارب هیجانی مثبت و منفی در بافت مطالعاتی شناخت اجتماعی فراهم کرده است؛ اما برخی از محدودیت های پژوهش حاضر ممکن است تعمیم پذیری نتایج آن را با مشکل روبرو کند. نخست اینکه نتایج پژوهش حاضر همچون بسیاری از پژوهشهای دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارشی به جای مطالعه رفتار واقعی ممکن است مشارکت کنندگان را به استفاده از شیوه های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی ترغیب کند. دوم، با توجه به اینکه گروه نمونه فقط از بین دانشجویان انتخاب شده بودند، پیشنهاد می شود این پژوهش برای رده های سنی دیگر مانند نوجوانان انجام شود. نیز به پژوهشگرانی که در این حوزه کار می نمایند، پیشنهاد می گردد تفاوت دانشجویان دختر و پسر در زمینه شناخت اجتماعی در نظر گرفته شود، بنابراین رو به سوی آینده داریم.

پذیر دارند، از تفکر جایگزین استفاده می کنند و موقعیت های چالش انگیز یا رویدادهای استرس زا را می پذیرند و و فرد به این باور می رساند که می تواند بر محیط خویش تأثیر بگذارد و آن را تحت کنترل خود در آورد و فرد برای سازگاری نیازمند باور به توانایی و کنترل بر محیط می باشد. و نسبت به افرادی که انعطاف پذیر نیستند از نظر روانشناختی تاب آوری بیشتری دارند (دبری، ۲۰۱۲). دلبستگی در واقع پیوند عاطفی نیرومندی است که هر فرد با افراد خاصی از زندگی اش برقراری سازد و جهانی قابل اعتماد را برای فرد به وجود می آورد، اما هنگامی که در روابط، احساس عدم امنیت و اجتناب گری نظیر آنچه در افراد با دلبستگی اجتنابی شاهد هستیم، وجود داشته باشد؛ افراد نمی توانند دست نیاز به سوی دیگران دراز کرده، از آنها حمایت کنند و با تعارض و استرس گونه ای مثبت مواجه شوند، لذا در روابط بین شخصی، افرادی سرد و توانایی شان در ایجاد صمیمیت محدود است (بشارت و فیروزی، ۱۳۸۵)؛ این گونه روابط ناپایدارتر و ناسازگارانه مانع شناخت اجتماعی فرد در بافت های جدید می گردد. در همین زمینه ساندرسون و ایونس (۲۰۰۱) معتقدند که دلبستگی اجتنابی می تواند با تشدید دشواری فرد در خود آشکارسازی عاطفی، گرایش و توانایی فرد را دربراز احساسات و عواطف در روابط بین شخصی کاهش دهد؛ در حالی که دلبستگی ایمن با کنش حمایتی خود، زمینه کسب مهارتهای اجتماعی، احساس ارزشمندی، احاطه بر محیط، خودهدفمندی و در نهایت احساس استقلال را در

منابع

- ابوالقاسمی، ع. و طاهری فرد، م. (۱۳۹۸). مقایسه شناخت اجتماعی و بازشناسی هیجان چهره ای در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی تازه تشخیص و مزمن. *دوفصلنامه شناخت اجتماعی*، ۸(۱۵)، ۶۵-۸۲.
- بشارت، م. ع. و فیروزی، م. (۱۳۸۵). سبک های دلبستگی و ترس از صمیمیت. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷، ۱۵-۵.
- سلطانی، ا؛ شاره، ح؛ بحرینیان، س. ع. و flexibility deficits. *Behavior Therapy*, 47(2), 262-273.
- Couture, S. M., Granholm, E. L., & Fish, S. C. (2011). A path model investigation of neurocognition, theory of mind, social competence, negative symptoms and real-world functioning in schizophrenia. *Schizophrenia research*, 125(2), 152-160.
- Dalton, G. L., Phillips, A. G. & Floresco, S. B. (2014). Preferential involvement by nucleus accumbens shell in mediating probabilistic learning and reversal shifts. *The Journal of Neuroscience*, 34(13), 4618-4626.
- DeBerry, L. (2012). *The relation between cognitive inflexibility and obsessive-compulsive personality traits in adults: depression and anxiety as potential mediators*. MA Theses. Southern Mississippi. University of Southern Mississippi.
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy and Research*, 34(3), 241-253.
- فرمانی، ا. (۱۳۹۲). نقش واسطه ای انعطاف پذیری شناختی در ارتباط بین سبک های مقابله ای و تاب آوری با افسردگی، پژوهنده، ۱۸(۲)، ۸۸-۹۶.
- نجاتی، و؛ کمری، س. و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۷). ساخت و بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه شناخت اجتماعی دانشجویان (شاد). *دوفصلنامه شناخت اجتماعی*، ۷(۱۴)، ۱۲۳-۱۴۴.
- Beer, J. S. & Ochsner, K. N. (2006). Social Cognition, a multi Level Analysis. *Brain Research*, 1079, 98-105.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Social and Behavioral Science*, 30, 475-479.
- Billeke, P., Boardman, S. & Doraiswamy, P. (2013). Social cognition in major depressive disorder: A new paradigm? *Translational Neuroscience*, 4(4), 437-447.
- Burton, N. W, Pakenham, K. I, Brown, W. J. (2010). Flexibility and effectiveness of psychosocial resilience training: A pilot study of the READY program. *Psychology, Health & Medicine*, 15(3), 266-277.
- [Caporaso, J. S.](#), [Boseovski, J. J.](#) & [Marcovitch, S.](#) (2019). [The individual contributions of three executive function components to preschool social competence.](#) *Infant and Child Development*, 28(4), 1-17.
- Carbonella, J.Y., Timpano, K. R. (2016). Examining the link between hoarding symptoms and cognitive

- Derks, J., Jolles, J., van Rijn, J., & Krabbendam, L. (2016). Individual differences in social cognition as predictors of secondary school performance. *Trends in Neuroscience and Education*, 5(4), 166-172.
- Dickson, P. E., Corkill, B., McKimm, E., Miller, M. M., Calton, M. A., Goldowitz, D., Blaha, C. D. & Mittleman, G. (2013). Effects of stimulus salience on touchscreen serial reversal learning in a mouse model of fragile X syndrome. *Behavioral Brain Research*, 252, 126-135.
- Dodell-Feder, D., Ressler, K., & Germine, L. (2020). Social cognition or social class and culture? On the interpretation of differences in social cognitive performance. *Psychological Medicine*, 50(1), 133-145.
- Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and Parenting Styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 199-204.
- Dunkel, C. S., Lukaszewski, A. W., & Chua, K. (2016). The relationships between sex, life history strategy, and adult romantic attachment style. *Personality and Individual Differences*, 98, 176-178.
- Floresco, S. B., Zhang, Y. & Enomoto, T. (2009). Neural circuits subserving behavioral flexibility and their relevance to schizophrenia". *Behavioral Brain Research*, 204(2), 396-409.
- Förster, K., Jörgens, S., Air, T. M., Bürger, C., Enneking, V. & Redlich, R. (2018). The relationship between social cognition and executive function in Major Depressive Disorder in high-functioning adolescents and young adults. *Psychiatry Research*, 263, 139-146.
- Gan Y, Liu Y, Zhang Y. (2004). Flexible coping responses to severe acute respiratory syndrome-related and daily life stressful events. *Asian Journal of Social Psychology*, 7(1), 55-66.
- Gresham, D., & Gullone, E. (2012). Emotion regulation strategy use in children and adolescents: The explanatory roles of personality and attachment. *Personality and Individual Differences*, 52(5), 616-621.
- Gunduz, B. (2013). Emotional intelligence, cognitive flexibility and psychological symptoms in preservice teachers. *Educational Research and Review*, 8(13), 1048-1056.
- Happé, F., Cook, J. L. & Bird, G. (2017). The structure of social cognition: In dependence of socio-cognitive processes. *Annual Review of Psychology*, 68(1), 243-267.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- Henschel, S., Nandrino, J. S. & Doba, K. (2020). Emotion regulation and empathic abilities in young adults: The role of attachment styles. *Personality and Individual Differences*, 156, 63-74.
- Imuta, K., Henry, J. D., Slaughter, V., Selcuk, B. & Ruffman, T. (2016). Theory of mind and prosocial behavior in childhood: a meta-analytic review. *Developmental Psychology*, 52(8), 1192-1205.
- Kidd, T., & Sheffield, D. (2005). Attachment style and symptom reporting: Examining the mediating effects of anger and social support. *British Journal of Health Psychology*, 10(4), 531-541.
- Kilmann, P. R., Urbaniak, G. C., & Parnell, M. M. (2006). Effects of attachment focused versus relationship skills-focused interventions for college students with insecure attachment patterns. *Attachment and Human Development*, 8(1), 47-62.

- Mikulincer, M. (1997). Adult attachment style and information processing: Individual differences in curiosity and cognitive closure. *Journal of personality and Social psychology*, 72(5), 1217-1230.
- Mikulincer, M., Shaver, P., Gillath, O. & Nitzbeg, R. (2005). Attachment, Caregiving, and Altruism: Boosting Attachment Security Increases Compassion and Helping. *Journal of Personality and Social Psychology*. 5(89), 817-839.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Pereg, D. (2003). Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies. *Motivation and Emotion*, 27(2), 77-102.
- Nijmeijer, J. S., Minderaa, R. B., Buitelaar, J. K., Mulligan, A., Hartman, C. A. & Hoekstra, P. J. (2008). Attention-deficit/hyperactivity disorder and social dysfunctioning. *Clinical psychology review*, 28(4), 692-708.
- Pinkham, A. E., Penn, D. L., Green, M. F., Buck, B., Healey, K., & Harvey, P. D. (2013). The social cognition psychometric evaluation study: results of the expert survey and RAND panel. *Schizophrenia bulletin*, 40(4), 813-823.
- Sochos, A. & Tsalta, A. (2008). Depressive cognition and insecure attachment: A motivational hypothesis. [*International Journal of Psychology and Psychological Therapy*](#), 8(2), 157-70.
- Sanderson, C. A., & Evans, S. M. (2001). Seeing one's partner through intimacy-colored glasses: An examination of the process underlying the intimacy goals-relationship satisfaction link. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 27(4), 463-473.
- Sharif, Z. M., Yadegari, N., Bahrami, H., & Khorsandi, T. (2018). Representation of children attachment styles in corman's instruction of family drawing. *The Arts in Psychotherapy*, 57, 34-42.
- Slaughter, V., Imuta, K., Peterson, C. C. & Henry, J. D. (2015). Meta-analysis of theory of mind and peer popularity in the preschool and early school years. *Child Development*, 86(4), 1159-1174.
- Tamaki, k., & Takahashi, J. (2013). The relationship between adult attachment style and social skills in terms of the four-category model of attachment style. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(19), 84-90.
- Todd, A. R., Bodenhausen, G. V., Richeson, J. A. & Galinsky, A. D. (2011). Perspective taking combats automatic expressions of racial bias. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100(6), 1027-1042.
- Usher, E. L., & Pajares, F. (2006). Sources of academic and self-regulatory efficacy beliefs of entering middle school students. *Contemporary Educational Psychology*, 31(2), 125-141.
- Venta, A., Hatkevich, C., Mellick, W., Vanwoerden, S. & Sharp, C. (2017). Social cognition mediates the relation between attachment schemas and posttraumatic stress disorder. *Psychological Trauma*, 9(1), 88-95.
- [Yan, Z.](#), [Hong, S.](#), [Liu, F.](#) & [Su, Y.](#) (2020). Meta-analysis of the relationship between empathy and executive function. *Psych Journal*, 9(1), 34-43.